

عاشورا تکرار می‌شود



حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم خانجانی
عضو هیئت‌علمی پژوهشگر حوزه و دانشگاه

ابتلا و امتحان از سنت‌های الهی است که صداقت در ایمان و دین‌داری، ادعای آن را ثابت می‌کند. مهم‌ترین آیه‌ای که به‌صراحت به این موضوع اشاره می‌کند، آیه دوم از سوره مبارک عنکبوت است که می‌فرماید: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْتَكَرُوا أَنْ يَقُولُوا أَمْنًا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ یعنی این‌طور نیست مردم به صرف اینکه بگویند ایمان آورده‌ایم رها شوند، بلکه هرکسی در هر برهه و شرایطی و در هر جریان و جایگاه و نقطه جغرافیایی، مشمول ابتلای الهی قرار می‌گیرد و به تعبیر آیه شریف، انسان را هانی‌شود تا امتحان و آزمایش شود و ادعای ایمان او به تعبیر امروزی هاراستی آزمایی‌شود. از این‌رودر زمانی‌این ابتلا رخ می‌دهد، چنان‌که نمونه بارز اجرای این سنت الهی در قیام عاشورا ی حسینی و در واقعه کربلا رخ داد، آنجا، هم برای عموم کسانی که به امام حسین^(ع) اظهار علاقه و محبت کردند و از ایشان با نامه برای آمدن به کوفه دعوت کردند و هم برای خواص معرکه، ابتلا و امتحان رقم خورد.

شاید بارزترین چهره در میان آن‌ها که موقعیتی داشتند و دارای نقش مؤثری در کربلا بودند، عمر بن سعد باشد. او که از نظر اجتماعی در سطحی بالا قرار داشت و فرزند یکی از صحابی و خود از کارگزاران خلفا و فرماندهان فتوحات بود، مستقیم در ارتباط با قیام حسینی در معرض ابتلا و امتحان قرار گرفت و در نهایت مردود شد. همچنین اند کسانی که با حضرت سیدالشهدا^(ع) قول و قرار گذاشتند اما از یاری ایشان دست کشیدند.

از قیام عاشورا هم که عبور کنیم، این ابتلا در همیشه تاریخ جریان دارد و کسی نمی‌تواند خود را جدای از این سنت بدانند. امروز هم ما همه در معرض ابتلا و امتحان قرار داریم. نکته مهم آنکه این دوره‌ای‌های تعیین‌کننده‌ای که پیش‌روی ما قرار می‌گیرد، در سرنوشت ما بسیار اثرگذار است. گاه انسان در ظاهر متوجه این امتحان نمی‌شود یا اگر هم متوجه باشد، انتخاب دشوار نیست اما در کربلا این دوره‌ای و انتخاب برای کسانی همچون عمر بن سعد بسیار سخت بود و چه بسا خود ما هم اگر در آن شرایط قرار می‌گرفتیم یا قرار بگیریم، موفق‌تر از او عمل نکنیم. چون عمر وقتی بر سر این دوره‌ای قرار می‌گیرد، قسم می‌خورد و می‌گوید من سرگردان مانده‌ام و نمی‌دانم چه باید بکنم. این مرحله‌ای بسیار سخت است و عمر نهایتاً برای مُلک ری و برخی منافع دیگر مردود شد. همچنین عبید... بن حر جُغفی از کسانی بود که نتوانست دنیا را رها کند. در معرکه کربلا راه دست یافتن به سعادت، هموار و ممکن بود اما دنیاطلبی و انتخاب‌های اشتباه، بسیاری از افراد را از این مسیر بازداشت.

امروز هم در همراهی با کسی که به نیابت از امام زمان^(عج) عهده‌دار مدیریت و هدایت جامعه است، در معرض ابتلا و آزمون قرار داریم؛ به‌ویژه اینکه ایشان در معرکه‌های مختلف هشدار می‌دهند این ما هستیم که اگر بصیرت لازم را نداشته باشیم، راه را گم می‌کنیم و در امتحان مردود می‌شویم. گویی «إِنِّي سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَخَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» چیزی جز لقلقه زبان نیست، چون حتماً نباید عاشورای ۶۱ هجری پیش‌روی ما باشد که بخواهیم امام را یاری کنیم یا ایشان را تنها بگذاریم. مایی که در شرایطی به‌مراتب آسان‌تر از کربلا، این چنین راه گم می‌کنیم، معلوم نیست اگر در کربلای دوران امام حسین^(ع) قرار می‌گرفتیم، چه می‌کردیم؛ چون پرایمان پیش‌نیامده است که یزیدیان را تقبیح می‌کنیم! باید ببینیم اگر در آن شرایط قرار بگیریم، چه می‌کنیم؛ به‌ویژه آنکه وقتی در شرایط بسیار ساده‌تر و روشن‌تر راه گم می‌کنیم، چه تضمینی وجود دارد که در بزنگاه‌ها راه را گم نکنیم؟

در زیارات به محضر امام حسین^(ع)، محبت و همراهی و وفاداری خودمان را ابراز می‌کنیم اما اگر این زیارت خواندن، محدود به کلام و زبان باشد، چیزی را ثابت نمی‌کند، چون آن‌ها هم که حضرت سیدالشهدا^(ع) را به کوفه دعوت کردند، چنین ادعایی داشتند اما در عمل دست خود را به خون امام آغشته کردند.

اشارت

پیداشدم

ریحانه‌عامل نیک‌اتابه حال تجربه گم کردن عزیز خود را داشته‌اید یا نه؟ کافی است یک بار عزیزی را گم کنید. هول و ولای پیدا کردنش در جانتان افتاده باشد و خدا خدا کنید که ای کاش سر برگردانید و او را مقابلتان ببینید. حس ترس و دلهره آن زمان احتمالاً هیچ وقت از خاطراتان پاک نشود. در کتاب بحار الانوار روایت‌های زیادی در مورد زمین کربلا به ما رسیده است که بسیاری از پیامبران بر آن خاک پا گذاشته‌اند و خون مطهرشان بر آن خاک چکیده است تا خدای متعال مصیبت عظیم کربلا را به ایشان از طرق مختلف و حی کند. اما روایت حضرت آدم^(ع) با هول و ولای گم کردن حضرت حوا آغاز می‌شود در هیاهوی گم‌گشتگی که از هبوط به زمین و فرار رب‌العرش‌العظیم تجربه می‌کند، یار خود را نیز گم کرده است و به دنبال حضرت حوا حال ایشان این‌طور بود که به قول حافظ «اگر به دست من افتد فراق را بکشم» در همین اثنا از کربلا گذر کرد. در روایت توصیف شده است: «حضرت بدون سبب غمگین شد و درد سینۀ اش را فرا گرفت و نفس بر او تنگ شد، چون به محل شهادت امام حسین^(ع) رسید پایش لغزید و بر زمین افتاد و خون از پایش جاری شد. سر به آسمان بلند کرد و عرض کرد: خداوند آیا گناهی از من صادر شد که مرا به آن عقوبت فرمودی؟ من همه زمین را گشتم و مثل این زمین به من بدی نرسید. خداوند به او وحی نمود که ای آدم گناهی نکردی ولیکن فرزندت امام حسین^(ع) در این مکان از روی ستم کشته می‌شود. خون تو به موافقت خون او جاری شد. عرض کرد: قاتل او کیست؟ وحی آمد: قاتلش یزید، ملعون اهل آسمان ها و زمین است. آدم گفت: ای جبرئیل درباره قاتل آن حضرت چه کنم؟ گفت: او را لعن کن. پس آدم چهار بار او را لعن کرد و به سوی عرفات روانه شد پس در آنجا حوا را یافت. «ابحارالانوار، ۴/ ۲۴۲، ح ۳۷، اشک روان، ۲۱۷).
فرقی نمی‌کند از عرش به فرش آمده باشیم یا یار عزیز گم کرده باشیم، عشق به امام حسین^(ع) یا غلبه خود، ما را درگیر می‌کند و گم شده ما را پیدا می‌کند.

بردار و بخوان

فرهنگ عاشورا

هنوز چیزهای زیادی است که درباره تو نمی‌دانم ای حسین^(ع). اگر بخواهم برای اینکه بر تو و خاندان پاک و مطهر چه رفته است بخوانم باید زمان زیادی را در کتابخانه‌های این شهر صرف کنم هرچند آنچه در شرح مصیبت کربلا نوشته‌اند کم است و قطره‌ای از دریاست، نکته‌های زیادی در کربلای حسینی وجود دارد. یکی از کتاب‌هایی که می‌توان در توضیح این نکات خواند کتاب «فرهنگ عاشورا» است. این کتاب درباره بررسی و روشن سازی ۴۲۸ موضوع مربوط به فرهنگ عاشورا است که در ۵۱۲ صفحه به صورت الفبایی تنظیم شده‌ا و از سوی انتشارات معروف به چاپ رسیده است. فرهنگ نامه‌ای فارسی در موضوع عاشورا، نوشته جواد محدثی. فرهنگ عاشورا مجموعه‌ای از مدخل‌های مرتبط با قیام عاشورا مانند اشخاص، گروه‌ها، مکان‌ها، کتاب‌ها، اصطلاحات، سنت‌ها، شعائر و... است. نویسنده در تشریح هدف از نگارش این اثر در مقدمه چنین می‌نویسد: «هدف از تدوین این فرهنگ نامه آن بود که یک مجموعه یک جلدی فشرده دم‌دستی و کاربردی، حاوی لازم‌ترین دانستنی‌ها درباره موضوعاتی که به آن نهضت جاوید، چه در عصر حادثه، چه زمان‌های پس از آن تا امروز مربوط می‌شود ارائه‌شود. از این‌رو مدخل‌های کتاب که به‌ترتیب القیاست، اشخاص، گروه‌ها، جاها، کتاب‌ها، اصطلاحات، سنت‌ها، شعائر، تعلیم مکتبی و محورهای دیگر را که به نحوی در ارتباط با فرهنگ عاشورا است شامل می‌شود.»



شهر
اخبار
SHAHIRANNEWS.IR
شماره ۱۹
مهر ۱۳۹۴
شماره ۱۴۳

۱۴



انواع انتظار

انتظار در مقابل امام معصوم دو گونه است، زمانی ما از امام انتظار داریم و زمانی امام از ما انتظار دارند. انتظار داشتن از امام، دردی از ما دوا نمی‌کند، مثل انتظاری که کوفیان از امام حسین^(ع) داشتند. آن‌ها به سیدالشهدا^(ع) نامه نوشتند و گفتند: آقا بیایید! توقع داشتند امام به سمت آن‌ها برود و وقتی هم حضرت به سوی آن‌ها رفتند، ایشان را نپذیرفتند و با دشمنان امام همدست شدند و آن جنایات را رقم زدند. متأسفانه در طول تاریخ، انتظارها این چنین بوده است؛ چنان‌که بنی اسرائیل از حضرت موسی^(ع) خواستند برود و سرزمین موعود را فتح کند و گفتند ما بعد به تو می‌پیونديم.

انتظار راستین

ما وظیفه داریم به‌سوی امام برویم؛ همان‌طور که باید برای حج به سوی کعبه برویم، البته در این رفتن به‌سوی امام باید ببینیم وظیفه ما مقابل امام زمان^(عج) چیست. اگر نگاه و اراده منتظران بر برآورده کردن توقعات و خواسته‌های امام^(عج) باشد، انتظار راستین، اثرگذار و زمینه‌ساز فرج خواهد بود وگرنه مثل انتظار کوفی‌هایی‌شود. انتظاران‌ها تأمین دنیا و خواسته‌هایشان توسط امام بود و برای همین خواسته‌ها هم امام حسین^(ع) را تنها گذاشتند، چنان‌که عمر سعد در رؤیای امیری بر ملک ری، مقابل امام حسین^(ع) ایستاد اما به فرموده سیدالشهدا^(ع) حتی گندم ری هم نصیب او نشد.

انتظار بدون آگاهی

انتظار کوفیان برای امام حسین^(ع) بدون معرفت و عمل و ایستابود. با معرفت حداکثری است که انتظار به‌عنوان افضل‌الاعمال محقق می‌شود و صرفاً در حد حالت حسی عاطفی باقی‌نمی‌ماند. سبک‌زندگی منتظرانه این‌گونه است که فرد منتظر، خواست امام را مقدم بر همه خواسته‌های خود قرار می‌دهد و اگر بین دین و دنیای او اختلافی پیدا شد، حق را به دین می‌دهد و پای دین می‌ایستد. انتظار فرج نیازمند دین عقیده‌ای است نه دین سلیقه‌ای. امام حسین^(ع) می‌فرمایند: «مردم، بنده دنیا شده‌اند و دین لقلقه زبان آن‌هاست و اگر دین به معیشت آن‌ها ضرر بزند، دنبال معیشت می‌روند».

در گفت‌وگو با دبیر علمی اندیشکده مهدویت بررسی شد

انتظار بدون معرفت راه به کوفه می‌برد

آمنه مستقیمی! «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» شعار نیست، بلکه تاریخ ثابت را رقم بزنیم. این نکته درباره انتظارهای ما برای ظهور امام زمان^(عج) هم می‌تواند رخ دهد: انتظارها و «اَللّهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيَّكَ الْفَرَجَ» گفتن‌هایی که به جای یار شدن، ما را برای امام زمانمان بار می‌کند. درباره جد کردن مسیر انتظار ه ایمان از انتظار کوفیان. با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد رضا فوادیان، دبیر علمی اندیشکده مهدویت و کارشناس مهدوی، گفت‌وگو کرده‌ایم.



غدير خم

در آموزه‌های دینی و در فرهنگ انتظار برای فرج، رویه‌ای دیگر صادق است، محمود بن لبید کنار کوه احد با حضرت زهرا^(س) مواجه شد و به ایشان عرض کرد: آبیامبر^(س) درباره خلافت امیرالمؤمنین^(ع) چیزی نگفته‌اند؟ حضرت زهرا^(س) فرمودند: «آیا غدير خم را فراموش کرده‌اید؟». وی عرض کرد: اگر غديری بوده، چرا امیرالمؤمنین^(ع) خانه‌نشین است؟ حضرت زهرا^(س) در پاسخ فرمودند: «مَثَلُ امام مَثَلُ کعبه است؛ شما باید نزد کعبه بروید نه آنکه کعبه را نزد شما بیاورند». اگر کعبه نزد ما بیاید، هفتاد بار هم دور ما بچرخد، فایده و ارزش ندارد.

کوفیان رسوا

درباره چرایی ختم شدن انتظار کوفیان به فاجعه کربلا باید گفت انتظار کوفیان از یک معرفت حداقلی شکل گرفته بود، یعنی آن‌ها جایگاه امام حسین^(ع) را در هستی نمی‌شناختند و فقط ظاهراً می‌دانستند ایشان فرزند پیامبر^(ص) هستند و از ایشان درخواست کردند برای تشکیل حکومت به کوفه بروند. آن‌ها نمی‌دانستند اگر امام خانه‌شین هم باشد، ولی خدا و در عالم دارای اثر است. این معرفت حداقلی باعث شد امام حسین^(ع) را تنها بگذارند و به روی ایشان شمشیر بکشند.

حب دنیا

سبک زندگی کوفیان و نوع انتظار آن‌ها برای امام زمانشان، بر مدار دنیا و تعلقات آن بود، یعنی آن‌ها امام را می‌خواستند تا خواسته‌های دنیایی‌شان را برآورده کند. اما در سبک زندگی منتظرانه، دنیا باید در خدمت پرورش روح و قرار گرفتن در مسیر خدمت به امام باشد. هرقدر روح پرورش بیاید، جسم به همان اندازه‌مرارت و سختی می‌بیند، چون جسم باید مرکب روح باشد. مثل شهیدان حاج قاسم سلیمانی و آیت‌... رئیسی که با پرورش و رشد روحی، جسم را به خدمت آن درآورده بودند. در انتظار برای فرج و زمینه‌سازی ظهور باید به پرورش روح پرداخت.

روشنا

امام صادق^(ع) فرمودند: هیچ‌کسی نیست که درباره حسین^(ع) شعری بسراید و بگوید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب کند و او را بیمارزد.

قال الصادق^(ع) ما من احد قال فی الحسين شعرا فیکي و ابکی به الا اوجب... له الجنة و غفر له. (رجال شیخ طوسی، ص ۲۸۹)

خویشاوندان و حتی که بر گردن ماست

نزدیک‌ترین راه برای نیکی

حتی اختلاف در دین و مذهب خویشاوندان و نیز تفاوت فکر و دیدگاه آن‌ها در امور اعتقادی سیاسی و نظایر آن، از آنان سبب مسئولیت نمی‌کند. راوی می‌گوید: «به امام صادق^(ع) گفتیم من اقوام و نزدیکانی دارم که از نظر عقیده دینی در تضاد با من هستند، آیا آن‌ها بر من حقی دارند؟ امام فرمودند: بله، حق دارند. حق رحم با هیچ چیزی قطع نمی‌شود و اگر آن‌ها با تو بر یک دین و یک عقیده باشند، دو حق دارند. حق خویشاوندی و حق اسلام.»

باتوجه به این دو آیه، نزدیک‌ترین نشانی برای خیرخواهی و عمل نیک، نزدیکان و خویشاوندان ما هستند و این امر نه تنها یک عمل مستحب بلکه حقی است که بر گردن ما قرار گرفته است. از رسول خدا^(ص) روایت شده است که با وجود خویشاوند محتاج، صدقه به دیگران نمی‌رسد: «لَا صَدَقَۀ وَ ذُو رَحِمٍ مِّثْنَا حَ». خوب است بدانیم حق اقوام و خویشان با هیچ مانعی و به هیچ بهانه‌ای از عهده انسان خارج نمی‌شود و همواره پابرجاست، و

چشم‌کورکنی انجام بدهیم. آیات و روایات، نزدیک‌ترین آدرس‌ها را در این مورد به ما داده‌اند، آنجا که در سوره نحل می‌خوانیم: «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد.» (سوره نحل، آیه ۹۰) و همچنین در سوره روم توصیه می‌شویم که: «پس حق نزدیکان و مسکینان و درراه‌ماندگان را ادا کن! این برای آن‌ها که رضای خدا را می‌خواهند، بهتر است و چنین کسانی رستگاران‌اند.» (سوره روم، آیه ۳۸).

یاداموات

همانطور که در شماره گذشته عنوان شد از سنت‌های حسنه زیارت قبور است. در ادامه به چند نکته اشاره می‌شود.

احکام

مستحب است زائر برای اموات طلب رحمت و مغفرت کند.

آب پاشیدن بر روی قبر میت مستحب است.

حاجت خواستن از خداوند، نزد قبر پدر و مادر مستحب است.

مهم‌تر از همه نکات فوق، ادای حقوق واجب آن‌هاست با قضای نمازها، ادای بدهی‌ها و طلب حلالیت از اموات.